

## پوست‌اندازی حکمرانی دیجیتال با مشارکت بخش خصوصی

مدیریت امنیت سایبری و خدمات دولت الکترونیک در مسیر جدیدی قرار گرفته و با تمرکز بر مشارکت بخش خصوصی در حال بازطراحی ساختار اجرایی است. اجرای پروژه‌های بزرگ در حوزه امنیت سایبری و یکپارچه‌سازی خدمات دیجیتال، با هدف کاهش پراکندگی سامانه‌ها و افزایش پایداری خدمات دنبال می‌شود. همزمان، توسعه زیرساخت‌های داده و ایجاد دسترسی یکپارچه برای دستگاه‌های اجرایی، به عنوان محور اصلی تحول دیجیتال مطرح و با هدف افزایش بهره‌وری و کاهش مراجعات تکراری شهروندان در حال اجراست. ■ ■ ■

تحول در حوزه حکمرانی دیجیتال کشورمان وارد مرحله‌ای تازه شده است که در آن تمرکز بر یکپارچه‌سازی خدمات، افزایش پایداری سامانه‌ها و استفاده از ظرفیت بخش خصوصی به عنوان محور اصلی سیاست‌گذاری دنبال می‌شود. این رویکرد در شرایطی شکل گرفته است که توسعه خدمات الکترونیک با رشد سامانه‌های متعدد و گاه غیرهم‌افزا همراه بوده و همین موضوع ضرورت بازطراحی ساختار را افزایش داده است.

در چارچوب برنامه‌های جدید، امنیت سایبری به عنوان یکی از ارکان اصلی پایداری خدمات دیجیتال مورد توجه قرار گرفته است. ایجاد هماهنگی، زمینه‌ای برای افزایش انسجام و مدیریت تهدیدات و ارتقای سطح تاب‌آوری دیجیتال کشور فراهم کرده و این هماهنگی با هدف افزایش سرعت واکنش در برابر تهدیدات طراحی شده است. در کنار این موضوع، نقش بخش خصوصی در اجرای پروژه‌های بزرگ فناوری اطلاعات پررنگ‌تر شده است. اجرای برخی طرح‌های ملی در حوزه دیجیتال، به دلیل گستردگی و پیچیدگی فنی، نیازمند مشارکت فعال بخش خصوصی است. بر همین اساس، پروژه‌های متعددی در قالب همکاری مشترک تعریف شده که هدف آن افزایش سرعت اجرا ارتقای کیفیت خدمات و کاهش بار اجرایی دولت است.

■ **بازطراحی زیست‌بوم‌های دیجیتال**

یکی از محورهای اصلی این تحول، توسعه زیست‌بوم‌های دیجیتال و ایجاد زیرساخت‌های یکپارچه داده است. هدف از این اقدام، کاهش پراکندگی سامانه‌ها و ایجاد یک مسیر واحد برای دسترسی به اطلاعات و خدمات است. در ساختار جدید، تلاش شده است که شهروندان با یک پار ثبت اطلاعات، امکان استفاده از خدمات متنوع دستگاه‌های اجرایی را داشته باشند، بدون آنکه نیاز به ورود مجدد داده‌ها در سامانه‌های مختلف باشد.

این رویکرد در عمل به معنای حرکت به سمت کاهش اسطکات اداری و افزایش کارآمدی خدمات عمومی است. در چنین ساختاری، داده‌ها به صورت متمرکز مدیریت می‌شوند و دستگاه‌ها از یک بستر مشترک برای تبادل اطلاعات استفاده می‌کنند. این موضوع علاوه بر کاهش هزینه‌های اجرایی، موجب افزایش دقت و سرعت ارائه خدمات نیز می‌شود.



از سوی دیگر، کاهش تعدد سامانه‌ها به عنوان یکی از چالش‌های اصلی خدمات الکترونیک مورد توجه قرار گرفته است. تعدد سامانه‌ها موجب سردرگمی کاربران و افزایش هزینه‌های نگهداری شده بود. در رویکرد جدید، هدف حرکت به سمت یکپارچگی و ایجاد تجربه کاربری ساده‌تر برای شهروندان است.

حفظ عملکرد سامانه‌های حیاتی در شرایط حساس، نقش مهمی در تداوم خدمات عمومی دارد. در همین چارچوب، اقدامات متعددی برای افزایش تاب‌آوری زیرساخت‌های دیجیتال انجام شده است. ثبت دهها هزار درخواست در سامانه‌های ملی خدماتی در دوره‌های حساس، نشان‌دهنده ظرفیت عملیاتی این زیرساخت‌ها در شرایط غیرعادی است. افزایش ظرفیت مراکز داده، بهبود شبکه ارتباطی و توسعه سامانه‌های پشتیبان از جمله اقداماتی است که در این زمینه نقش داشته‌اند.

■ **نقش اقتصاد مقاومتی در تحول دیجیتال**

حرکت به سمت استفاده از ظرفیت بخش خصوصی و کاهش تمرکز صرف بر منابع دولتی، در چارچوب رویکرد اقتصاد مقاومتی قابل تحلیل است. این رویکرد بر استفاده حداکثری از توان داخلی و افزایش مشارکت بخش‌های غیردولتی در پروژه‌های ملی تأکید دارد. در حوزه فناوری اطلاعات نیز این سیاست به شکل توسعه همکاری‌های مشترک و واگذاری بخشی از پروژه‌ها به بخش خصوصی در حال اجراست.

این الگوی همکاری موجب افزایش سرعت اجرای پروژه‌ها و کاهش وابستگی به منابع محدود دولتی شده و همچنین زمینه انتقال دانش فنی و ارتقای توان داخلی در حوزه فناوری اطلاعات را فراهم کرده است. در نتیجه، ساختار اجرایی پروژه‌های دیجیتال به سمت چابک‌تر شدن و افزایش کارآمدی حرکت کرده است. این تحول می‌تواند نقش مهمی در توسعه اقتصاد دیجیتال کشور ایفا کند. اقتصاد دیجیتال به عنوان یکی از محورهای رشد اقتصادی در جهان شناخته می‌شود و توسعه زیرساخت‌های آن نیازمند هماهنگی میان دولت و بخش خصوصی است. در این چارچوب، ایجاد بسترهای مشترک برای اجرای پروژه‌های بزرگ فناوری اطلاعات، به عنوان یک ضرورت راهبردی مطرح است. در مجموع، آنچه در حال وقوع است، حرکت به سمت یکپارچه‌سازی خدمات دیجیتال، افزایش پایداری زیرساخت‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت بخش خصوصی در اجرای پروژه‌های ملی است.

تداوم الگوهای پرمصرف کنونی، تاب‌آوری اقتصاد کشورمان را در برابر

فشارهای بیرونی تهدید و طبعاً مسیر توسعه پایدار را کند می‌کند، چراکه شاخص‌های مصرف انرژی، آب و حامل‌های مختلف به‌ما یادآوری می‌کند شدت مصرف در کشورمان نسبت به میانگین جهانی در سطح بالاتری قرار دارد و این وضعیت به‌ویژه در بخش ساختمان و مصارف خانگی نمود بیشتری داشته است، به طوری که سهم قابل توجهی از منابع کشورمان به جای تبدیل شدن به سرمایه‌گذاری مولد، در چرخه مصرف غیرکارآمد دست می‌رود و همین مسئله فشار مضاعفی بر زیرساخت‌های اقتصادی وارد می‌کند. در چنین شرایطی، بازنگری در الگوی مصرف و حرکت به سمت بهره‌وری، به عنوان یک ضرورت راهبردی مطرح می‌شود و ظرفیت اجتماعی شکل‌گرفته در قالب بیش از ۳۱ میلیون جان‌فدا می‌تواند زمینه اجرای کامل سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف را فراهم کند. ■ ■ ■

الگوی مصرف در کشورمان از سال‌های دور تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل ساختاری شکل گرفته است که نتیجه آن، فاصله‌مناظر میان مصرف داخلی و استانداردهای جهانی در برخی حوزه‌ها بوده است. داده‌های موجود نشان می‌دهد سسرانه مصرف انرژی در کشورمان حدود دو برابر میانگین جهانی است و این اختلاف در ترکیب حامل‌های انرژی به دلیل وابستگی همزمان برق و گاز تشدید می‌شود. در بخش ساختمان نیز مصرف انرژی در واحدسطح چندبرابر برخی کشورهای توسعه‌یافته گزارش شده که بیانگر ضعف در بهره‌وری تجهیزات، عایق‌بندی و استانداردهای ساخت‌وساز است.

طبعاً در چنین شرایطی، اصلاح الگوی مصرف به عنوان یک ضرورت در سطح حکمرانی منابع مطرح می‌شود، زیرا استعمار روند فعلی، ظرفیت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تولیدی را کاهش و وابستگی به منابع یارانه‌ای را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، فشار بر شبکه انرژی و آب، پایداری خدمات عمومی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و هزینه‌های پنهان اقتصاد را افزایش می‌دهد. بخش خانگی و ساختمان به عنوان یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های مصرف انرژی در کشور شناخته می‌شود و سهم قابل توجهی از کل مصرف را به خود اختصاص داده است، به طوری که نزدیک به نیمی از مصرف گاز و بخش عمده‌ای از مصرف برق در این حوزه متمرکز است. این در حالی است که در بسیاری از کشورها، استانداردهای سخت‌گیرانه برای کاهش مصرف انرژی در ساختمان‌ها اجرا می‌شود و ساختمان‌های کم‌مصرف با نزدیک به مصرف انرژی در دستور کار قرار دارند، اما در ایران، متوسط مصرف انرژی ساختمان‌ها در هر مترمربع سالانه در سطح بالایی قرار دارد و اختلاف آن با استانداردهای مطلوب، نشان‌دهنده ظرفیت قابل توجهی برای صرفه‌جویی است. این بخش مهمی از این وضعیت ناشی از فرسودگی تجهیزات گرمایشی و سرمایشی، عدم استفاده گسترده از فناوری‌های نوین و ضعف در اجرای کامل مقررات فنی ساختمان است و همین عوامل موجب شده‌اند که ظرفیت قابل توجهی از انرژی تولیدشده به‌جای استفاده بهینه، در قالب اتلاف حرارتی و مصرف غیر ضروری از بین برود. در کنار این موضوع، الگوی رفتاری مصرف‌کنندگان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای

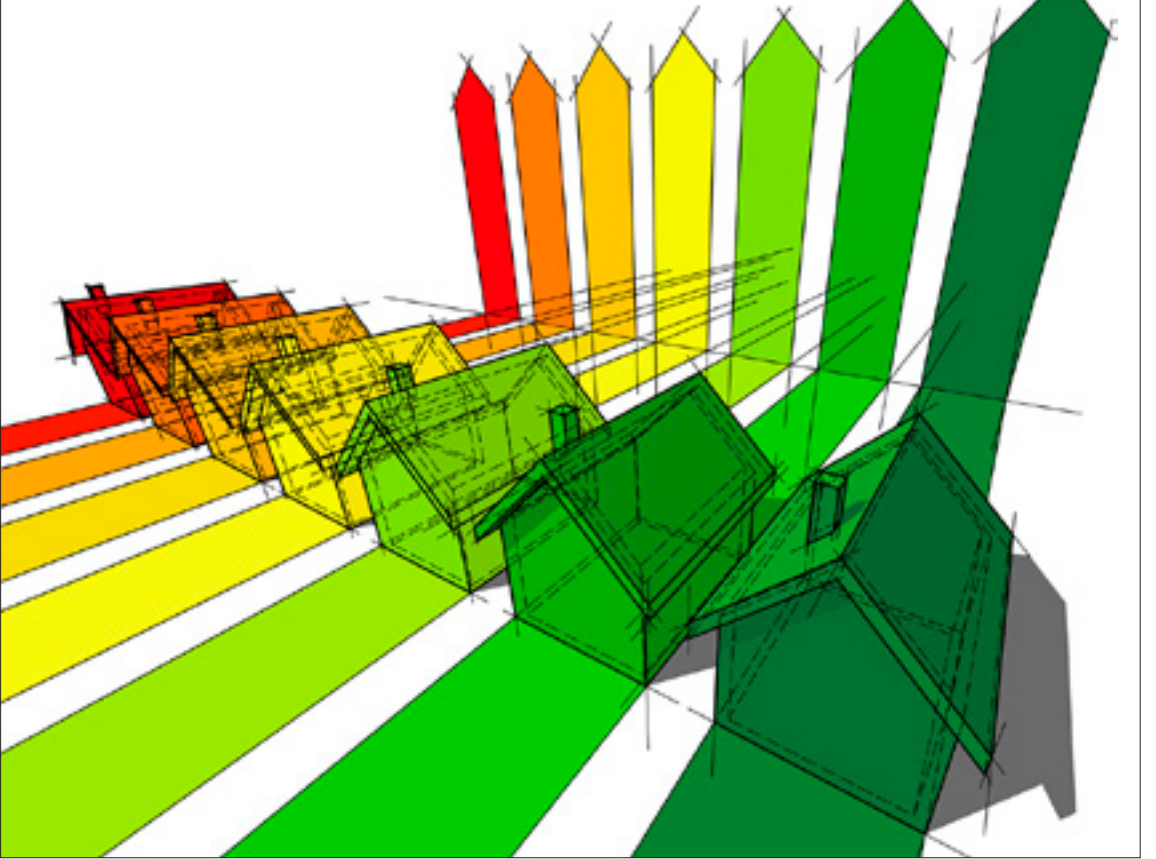
# اقتصاد

سرویس اقتصادی ۶۰۰۸۸۵۳۳

اصلاح الگوی مصرف تاب‌آوری اقتصاد را تقویت می‌کند

# الگوی مصرف کشور با ده‌ها میلیون جان‌فدا اصلاح شود

سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف که بیش از یک دهه پیش ابلاغ شد با ظرفیت پوشش جان‌فدا قابلیت عملیاتی کامل دارد



دارد. پایین بودن سطح آگاهی عمومی نسبت به ارزش واقعی انرژی و همچنین نبود سازو کارهای انگیزشی کافی برای کاهش مصرف، از جمله عواملی هستند که روند بهینه‌سازی را کند کرده‌اند. در نتیجه، اصلاح این بخش نیازمند ترکیبی از سیاست‌گذاری فنی، فرهنگی و اقتصادی است.

■ **ظرفیت‌های اجتماعی اصلاح مصرف**

سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف که با هدف ارتقای بهره‌وری و کاهش شدت مصرف منابع تدوین شده‌اند، چارچوبی جامع برای حرکت به سمت مصرف بهینه ارائه می‌دهند. این سیاست‌ها بر اصلاح فرهنگ مصرف، ارتقای بهره‌وری، استفاده از فناوری‌های نوین و توسعه انرژی‌های

الگوی مصرف بدون همراهی اجتماعی، با موانع جدی مواجه خواهد شد و اثرگذاری آن محدود می‌ماند.

■ **ضربه مصرف غیرکارآمد**

تداوم الگوی مصرف فعلی، مخصوصاً اینکه کشورمان درگیر یکی از اصول مهم در جریان جنگ تحمیلی سوم است، در بلندمدت پیامدهای متعددی برای اقتصاد ملی به همراه دارد. به طوری که افزایش شدت مصرف انرژی موجب رشد هزینه‌های تأمین و توزیع منابع می‌شود و فشار بر بودجه عمومی را افزایش می‌دهد. بنابراین در چنین شرایطی، بخش قابل توجهی از منابع مالی کشور به‌جای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های تولیدی، صرف جبران مصرف غیرکارآمد می‌شود. از سوی دیگر، وابستگی

## اذعان دشمن به توان اقتصادی ایران در برابر محاصره دریایی

دشمن اذعان کرده است ساختار اقتصادی و لجستیکی کشورمان در شرایط فشار دریایی توان ادامه فعالیت و حفظ جریان تبادلات منطقه‌ای را داراست

گزارش ۲ هادی اسماعیلی

ارزیابی‌های اطلاعاتی دشمن امریکایی، بر ظرفیت اقتصادی کشورمان برای ادامه فعالیت در صورت اعمال فشارهای شدید دریایی تأکید دارد. شبکه‌های لجستیکی، مسیرهای تأمین و زیرساخت‌های حمل‌ونقل طی سال‌های گذشته به گونه‌ای توسعه یافته‌اند که اقتصاد کشورمان فقط به یک مسیر محدود وابسته نمانده است. در این چارچوب، نقش کریدورهای زمینی و همکاری‌های منطقه‌ای در حفظ جریان تبادلات تجاری بر جسته شده است و هم‌زمان، موقعیت کشورمان در اتصال مسیرهای شرق و غرب آسیا به عنوان یک عامل تعیین‌کننده در پایداری تجارت خارجی مورد توجه است. ■ ■ ■

تنگه هرمز به عنوان یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انرژی جهان، نقش تعیین‌کننده‌ای در جریان تجارت بین‌المللی دارد، اما جنگ‌طلبی «طبقه اَبستین» تنش در این منطقه را تشدید کرده و طبعاً آثار گسترده‌ای بر بازارهای جهانی گذاشته است. سرکرده رژیم توریستی امریکا، ترامپ، برای خلاص شدن از این وضعیت اقدام به آنچه محاصره دریایی ایران نامیده می‌شود کرده است، اما بررسی ظرفیت‌های اقتصادی کشورها نشان می‌دهد سناریوهای فشار و محدودیت راه به جایی نخواهد برد. حتی روزنامه جنگ‌طلب واشینگتن پست، انطور که خبرگزاری میزان منتشر کرده، اذعان کرده است: «براساس گزارش مجرمانه سازمان سیا به کاک سفید، ایران می‌تواند ماه‌ها در برابر محاصره دریایی امریکا مقاومت کند.» بنابراین ساختار اقتصادی کشورمان در سال‌های گذشته به گونه‌ای شکل گرفته که توان ادامه فعالیت در شرایط فشار دشمن را حفظ خواهد کرد. همچنین وابستگی اقتصاد کشورمان به مسیرهای سنتی دریایی کاهش یافته و در مقابل، شبکه‌ای از مسیرهای



شبهه در شرایط عادی نقش تسهیل‌کننده تجارت را ایفا می‌کند و در شرایط فشار، به عنوان مسیر جایگزین وارد عمل می‌شود. از سوی دیگر، موقعیت جغرافیایی کشورمان در نقطه اتصال شرق و غرب آسیا، ظرفیت ویژه‌ای برای ایفای نقش ترانزیتی ایجاد کرده و باعث شده است که کشور در مسیرهای اصلی انتقال کالا و انرژی قرار گیرد و اهمیت ژئولیتیکی آن در معادلات منطقه‌ای افزایش یابد. در همین چارچوب، تحلیل‌های بین‌المللی نیز بر نقش ایران به عنوان حلقه واسط در شبکه تجارت منطقه‌ای تأکید دارند. در حوزه امنیت انرژی نیز تنگه هرمز همچنان یکی از حساس‌ترین

<sup>[1]</sup> دشمن اذعان کرده است ساختار اقتصادی و لجستیکی کشورمان در شرایط فشار دریایی توان ادامه فعالیت و حفظ جریان تبادلات منطقه‌ای را داراست


خبر

## جنگ‌طلبی ترامپ بنزین ۱۰ دلاری روی دست کالیفرنیا گذاشت

بازار انرژی در ایالت کالیفرنیا با جهش بی‌سابقه قیمت سوخت مواجه شده و هر گالن بنزین به مرز ۱۵۰ دلار رسیده است. گزارش‌ها از برخی جایگاه‌ها حکایت از نزدیک شدن قیمت به ۱۳ دلار دارد. این وضعیت در حالی رخ داده که اختلال در مسیرهای تأمین انرژی و کاهش ذخایر جهانی نفت، فشار مضاعفی بر بازار امریکا وارد کرده است. ■ ■ ■

افزایش قیمت بنزین در ایالت کالیفرنیا فشار بی‌سابقه‌ای به رژیم امریکا وارد کرده است و رسیدن قیمت هر گالن بنزین به حدود ۱۰ دلار، در شرایطی که برخی جایگاه‌ها فاصله نذکی تا ۱۳ دلار نیز دارند، به عنوان یکی از بالاترین سطوح قیمتی ثبت‌شده در سال‌های اخیر شناخته می‌شود. این روند در حالی شکل گرفته است که بازار جهانی انرژی با نوسانات شدید و کاهش ذخایر راهبردی در برخی کشورها روبه‌روست. کاهش عرضه نفت خام در بازارهای بین‌المللی، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و محدودیت در زنجیره تأمین از جمله عواملی هستند که بر قیمت‌نهایی سوخت اثر گذاشته‌اند. در چنین شرایطی، ایالت‌هایی مانند کالیفرنیا که وابستگی بالایی به واردات فرآورده‌های نفتی دارند، بیشترین فشار را تجربه می‌کنند. در سطح داخلی امریکا نیز اختلاف در سیاست‌های انرژی و ساختار مالیاتی ایالتی موجب شده است که قیمت سوخت در مناطق مختلف این رژیم اختلاف قابل توجهی داشته باشد. کالیفرنیا در میان ایالت‌های امریکا همواره یکی از بالاترین قیمت‌های سوخت را تجربه کرده، اما رسیدن به مرز ۱۰ دلار در هر گالن، این وضعیت را وارد مرحله جدیدی کرده است. از طرفی افزایش قیمت بنزین اثر مستقیم بر هزینه حمل‌ونقل و توزیع کالا دارد که در زنجیره تأمین را تحت تأثیر قرار داده است. تحولات اخیر در بازار سوخت امریکا در شرایطی رخ می‌دهد که بازار جهانی انرژی با عدم قطعیت‌های متعددی مواجه است و کاهش ذخایر نفتی در برخی کشورها و نوسانات عرضه، موجب شده که قیمت انرژی در سطح جهانی حساس‌تر از گذشته به تغییرات سیاسی و اقتصادی نیز مشرب شود. کاهش نشان انرژی معتقدند، افزایش قیمت سوخت در اقتصادهای بزرگ می‌تواند به تشدید فشارهای تورمی در سطح جهانی منجر شود و این وضعیت همچنین اهمیت امنیت انرژی و تنوع مسیرهای تأمین را بیش از گذشته برجسته کرده است.